

# "وحدت ملی"

## با وحدت فاشیستی در تضاد است

قسمت دوم - ن. کیانی

مشارکت، با فشار از بالا، به بهانه وحدت ملی بر مبنای سازماندهی فاشیستی مردم و بر مبنای اطاعت و فرمانبری، یعنی همان شعار بسیج ده میلیونی. بسیج بر خلاف احزاب و نهادهای مدنی سازمانی دواطلبانه و انتخابی نیست. فرماندهای شاخه‌های مختلف بسیج، از بالا و توسط سپاه تعیین می‌شوند و اینان در چارچوب یک انضباط و سلسله مراتب باید از فرماندهان انتصابی خود تبعیت کنند. سردار ذوالقدر نام این فرمان مشارکت از بالا را "مردم سالاری دینی" می‌ماند. اینکه سپاه همه طرح‌ها و پروژه‌های عمرانی را در اختیار خود گرفته فقط با هدف کسب ثروت و امتیاز نیست، بلکه هدف دیگر آنست که سرخ کار و شغل مردم در دست آنها باشد.

### سازماندهی فاشیستی و بحران

فاشیسم زاینده دوران بحران است. هم از بحران تغذیه می‌کند و هم در شرایط معین به آن پاسخ می‌دهد. بسیج ده میلیونی و برنامه فاشیستی کردن حیات سیاسی و اجتماعی در ایران نیز زاینده بحران است. در میان سران جمهوری اسلامی در زمینه وجود بحران و یا حداقل، نزدیک بودن بحران بزرگ هیچ تردیدی وجود ندارد. سخنان سردار غلامعلی رشید که در مطبوعات و سایت‌های اینترنتی منعکس شد در این زمینه بسیار گویاست.

ما در اینجا بدلائل بحران کاری نداریم فقط به این نکته اشاره می‌کنیم که بحران تنها بحران اقتصادی و اجتماعی نیست، بلکه بحران سیاسی هم هست. یعنی بحران مقابله با سیاست نظامی گری در بخشی و در جناح‌هایی از رهبری جمهوری اسلامی و از جمله درون روحانیت. بحرانی که با تمام ابعاد آن در جنگ بر سر انتخابات آینده رئیس جمهوری خود را نشان می‌دهد. این بحران سیاسی که هم بازتاب بحران اقتصادی و اجتماعی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی است و هم تشدید کننده آن در شتابی که برای ایجاد بسیج ده میلیونی صورت می‌گیرد جنبه تعیین کننده دارد. این شتاب هم برای تاثیرگذاری بر انتخابات رییس جمهوری آینده است و هم برای آمادگی در برابر شرایط پس از آن.

در شرایطی که شدت بحران‌ها و تهدیدها مشارکت مردم را ناگزیر کرده است، جنگ میان دو نگرش و دو دیدگاه و دو سیاست بالا گرفته است: دیدگاه و نگرشی که راه حل بحران را در وحدت ملی بر مبنای مشارکت فعالانه و آگاهانه مردم می‌بیند و دیدگاه و نگرشی که راه حل بحران را در مشارکت اجباری و در عین حال منفعلانه، در بسیج ده میلیونی جستجو می‌کند. آنچه از نگرش و موضع رهبر جمهوری اسلامی و نظامیان - به همان اندازه تابع وی که حاکم بر وی - بدان آشکار می‌شود آن است که تاکنون از دیدگاه آنان مقابله با بحران در چارچوب یک وحدت ملی بر مبنای دمکراتیک و مشارکت همه گروه‌های سیاسی و اجتماعی راه حل نیست. به چندین دلیل.

دلیل نخست آن است که این جمع امتیازات وسیع اقتصادی و سیاسی بدست آورده‌اند و به انواع و اقسام خودسری‌ها خو کرده‌اند و می‌دانند که ادامه این وضع در یک شرایط دمکراتیک ناممکن است.

دلیل دوم آنکه وحدت ملی در شرایط دمکراتیک یعنی حضور و مشارکت آگاهانه و فعالانه مردم، در حالیکه همه هدف آنان مشارکت منفعلانه مردم، حضور در صحنه برای تایید حکومت است نه حضور منتقدانه و پرسشگرانه که می‌تواند پایه‌های حکومت را به لرزه در آورد.

بالاخره آنان از خلاء فکری و فرهنگی و ایدئولوژیک که بویژه در طی دو دهه اخیر در کشور بوجود آورده‌اند، بخوبی آگاهند و نگران آن هستند که در یک شرایط دمکراتیک تسلط بر دستگاه فکری و فرهنگی - بویژه نسل جوان کشور - را از دست بدهند و نسبت به

پیامدهای این وضع بیم دارند. به همه اینها افزود می‌شود جنون قدرت طلبی بر مبنای منافع محدود طبقاتی.

در شرایط نفی یک راه حل مبتنی بر مشارکت آگاهانه و فعالانه مردم، آنان بسوی طرح یک مشارکت منفعلانه و از بالا، بسوی طرح یک وحدت ملی بر مبنای سازماندهی فاشیستی مردم، بر مبنای اطاعت و فرمانبری سوق داده شده اند. بسیج ده میلیونی شکل پیش بینی شده این مشارکت منفعلانه در ایران است. بسیج بر خلاف احزاب و نهادهای مدنی سازمانی دواطلبانه و انتخابی نیست. فرماندهای شاخه‌های مختلف بسیج ولو واحدهای پزشک و مهندس و کارگر باشند، از بالا و توسط سپاه تعیین می‌شوند و اینان در چارچوب یک انضباط و سلسله مراتب باید از فرماندهان انتصابی خود تبعیت کنند. این شیوه سازماندهی و "مشارکت" مردم است که سران جمهوری اسلامی و نظامیان قدرت گرفته آن را "وحدت ملی" می‌دانند و بقول سردار ذوالقدر بعنوان "مردم سالاری دینی" می‌خواهند تبلیغ کنند.

### طرح بسیج ده میلیونی عملی است؟

بنظر طراحان بسیج ده میلیونی، تا آنجا که به جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی بحران مربوط می‌شود، بحران فقط یک تهدید نیست، بلکه یک فرصت نیز هست. این جنبه‌ای از بحران است که کمتر روی آن تاکید و بیشتر روی آن برنامه ریزی می‌کنند. بحران همچنانکه تجربه تاریخی اروپای میان دو جنگ نشان داده امکان یک سازماندهی فاشیستی جامعه را فراهم می‌کند. چگونه؟

پیامد بلاواسطه بحران گسترش بیکاری و فقر و ناامنی اجتماعی و خانوادگی است. اینکه سپاه همه طرح‌ها و پروژه‌های عمرانی را در اختیار خود گرفته فقط با هدف کسب ثروت و امتیاز نیست. هدف دیگر آن است که سرخ کار و شغل مردم در دست سپاه و نیروهای نظامی باشد. این یکی از برگ‌های برنده بزرگ سپاه در شرایط گسترش بحران اقتصادی است. طراحان بسیج ده میلیونی روی این موضوع حساب کرده‌اند که در شرایط گسترش بحران بیکاری، استخدام جدید یا حفظ شغل بطور ضمنی تابع ورود به بسیج خواهد شد. از این روش برای جذب نیرو در آلمان و ایتالیای فاشیست هر دو استفاده شده است. اما در آنجا این کار با مشارکت سرمایه داران انجام شد. در ایران سپاه می‌خواهد آنچنان بر همه طرح‌های اقتصادی و همه پروژه‌ها و کارخانه‌های دولتی چنگ بیاندازد که بتواند بدون نیاز به کمک سرمایه داران سرنوشت کار و بیکاری مردم را در دست خود بگیرد. فراموش نکنیم که در زمان محمد خاتمی برای بدست گرفتن فرودگاه خمینی فرماندهان سپاه حتی تا مرز تهدید به سرنوشتی هواپیمای مسافربری پیش رفتند. و امروز می‌دانیم که چه جنگی بر سر خصوصی سازی‌ها جریان دارد که آخرین سخنان حسن روحانی دبیر اسبق شورای عالی امنیت ملی در مورد واگذاری شرکت‌های دولتی به ارگان‌های نظامی بازتابی از آن بود. همه اینها ضمناً نشان می‌دهد که برای تحقق طرح بسیج ده میلیونی به دولتی مانند احمدی نژاد نیاز است. حمایتی که فرماندهان سپاه از احمدی نژاد می‌شود با همه فاجعه‌ای که پشت سر خود بجای گذاشته است ریشه در این نیاز دارد.

در حال حاضر ما نمی‌دانیم که چند صد هزار شغل مستقیماً وابسته به سپاه یا کارخانه‌ها و واحدهایی است که یک سپاهی در راس آن قرار گرفته است. ولی در این تردید نیست که این واحدها نخستین محل تشکیل شاخه‌های بسیج ده میلیونی و کارگران و کارمندان و مهندسان و تکنسین‌های آنان نخستین کسانی هستند که وادار خواهند شد وارد شاخه‌های بسیج شوند.

پیامد دیگر بحران گسترش ناامنی و دزدی و غارت است و این هم یکی دیگر از زمینه‌های توجیه بسیج و گسترش آن است. از هم اکنون طرحی بنام "امنیت محلات" تهیه و شروع شده و اجرای آن به بسیج واگذار شده است. در حال حاضر ایجاد ناامنی بصورت یک طرح هدفمند مستقیماً از طریق خود نیروهای نظامی برای توجیه حضور و گسترش بیش از پیش

نظامیان و بسیج در کوچه‌ها و محلات شهر دنبال می‌شود. اما در شرایط توسعه بحران، به اندازه کافی ماده انفجاری برای ناامنی وجود خواهد داشت. در این شرایط بنظرطراحان بسیج ده میلیونی زمینه برای استقبال از بسیج و پیوستن به آن در محلات فراهم می‌شود. اگر این مجموعه را در کنار بسیج علمی و ورزشی از یکسو و بسیج دانش آموزی و دانشجویی و وابسته کردن تدریجی ورود به دانشگاه‌ها به عضویت در بسیج از سوی دیگر قرار دهیم می‌بینیم که طرح بسیج ده میلیونی از نظرطراحان آن چندان خیال پردازی هم نیست. ضمن اینکه به اینها فضای تبلیغاتی و ایدئولوژیک نیز افزوده می‌شود که در حول فضایل بسیج به شکلی روزافزون گسترده می‌شود. هم اکنون تکرار واژه‌هایی نظیر فرهنگ، دین، میهن، توسعه علمی، جانبازی، قهرمانی، شهادت طلبی، انقلابی بودن، استکبار ستیزی، محروم نوازی و مشابه آن از دهان مبلغان بسیج ده میلیونی لحظه‌ای قطع نمی‌شود. بطور خلاصه چنین تبلیغ می‌شود که همه فضایل در بسیج و بسیجیان جمع است. از ساختن فیلم تا پخش کتاب و نمایش‌های ورزشی و فرهنگی و علمی و تفریحی برای تبلیغ ایدئولوژی بسیجی استفاده می‌شود. هدف از این تبلیغات ضمناً آن است که کسی جرات مخالفت و پرسشگری در مورد بسیج و اهداف آن را، حتی در ذهن خود نیز نداشته باشد.

### **پیش شرط‌های طرح بسیج ده میلیونی**

تحقق طرح بسیج ده میلیونی مستلزم یک سلسله پیش شرط‌ها و مواجه با یک سلسله موانع است. این پیش شرط‌ها عمدتاً مربوط به شرایط سیاسی است که تسلط بر قوه مجریه و قوه مقننه اهرم عمده آن است.

پیش شرط نخست اجرای طرح بسیج ده میلیونی بستن فضای سیاسی است. مقابله‌ای که با جنبش‌های دانشجویی، زنان و جوانان و اقلیت‌های قومی و مذهبی می‌شود، تلاش بر تسلط بر مطبوعات و روزنامه‌ها و سانسور و کنترل اینترنت و بی‌خبرنگاه داشتن مردم همه جزیی از فراهم کردن شرایط و مقدمات ممکن بودن سازماندهی فاشیستی مردم در بسیج ده میلیونی است. تجربه همه کشورهایی که به تلاش برای سازماندهی فاشیستی مردم دست زده‌اند نشان داده است که این کار در هیچ کجا از دیکتاتوری مطلق شروع نشده اما در هیچ کجا بدون برقراری دیکتاتوری مطلق به نتیجه نرسیده است.

این امر ضمناً مستلزم تسلط کامل بر قوه مجریه است. انتخاب احمدی نژاد یا شخصی در سطح احمدی نژاد شرط امکان عملی اجرای طرح فراگیر کردن بسیج است. همانطور که حجت الاسلام سعیدی نماینده رهبر در سپاه و سردار جعفری فرمانده سپاه و ذوالقدر فرمانده سابق بسیج و رحیم صفوی فرمانده سابق سپاه در سخنان خود به مناسبت هفته بسیج تاکید کرده‌اند، گسترش بسیج و رسیدن به اهداف تعیین شده مشروط به همکاری مدیران دولتی و قرار گرفتن آنان در خدمت این طرح است. بنابراین پیروزی سپاه در انتخابات آینده ریاست جمهوری در درون یک پروژه و طرح فرار از بحران قرار دارد که عقب نشینی و باخت در آن نه پذیرفتنی است و نه بسادگی قابل جبران.

پیش شرط دیگر طرح بسیج ده میلیونی از کار انداختن مجلس و در نهایت منحل کردن آن است. این کار از چندین طریق پیش برده می‌شود و امیدوارن شرایط بحران امکان‌های تازه تری برای مقابله با مجلس بوجود آورد. ما همین امروز نیز می‌بینیم که دولت احمدی نژاد بحران‌های اقتصادی و اجتماعی که خود و سیاست‌های دولت وی موجب آن بوده است را به گردن مجلس می‌اندازد. مجلسی که البته در این بحران مسئولیت دارد، اما مسئولیتش از این جهت است که در برابر این سیاست‌ها ایستادگی نکرده است. شرط از کار انداختن مجلس در مرحله اول بدست گرفتن اکثریت در آن است. وقتی که این اکثریت بدست آمد و مجلس با همه کارهای دولت موافق شد، خودبخود حیثیت و اعتبار و ضرورت وجودی‌اش را در میان مردم از دست می‌دهد. اما در یک طرح فاشیستی کردن حیات سیاسی و اجتماعی مجلس

اصلا باید حذف شود. زیرا وجود مجلس به معنای وجود اقلیت است و در رژیم فاشیستی چیزی بنام اقلیت وجود ندارد. ثانياً وجود مجلس به معنای انتخابات است یعنی به معنای وجود آلترناتیو برای سیاست موجود. بنابراین نباید تصور کرد حملاتی که امروز احمدی نژاد به مجلس می‌کند ناشی از مقابله مجلس با سیاست‌های اوست. اگر این مجلس حتی بیش از این با او همسو بود هم وی همان رفتاری را با مجلس در پیش می‌گرفت که با اعضای کابینه خود دارد. هدف احمدی نژاد و طراحان بسیج ده میلیونی زیر سوال بردن اصل مجلس و پارلمان است نه این یا آن مجلس خاص، همسو یا غیر همسو. حملات مدامی که نظامیان به "دمکراسی لیبرال" می‌کنند نه مقابله با لیبرالیسم اقتصادی، بلکه حذف و نابود کردن همه نهادهای دمکراتیک و در نهایت پارلمان و مجلس را در نظر دارد. (ادامه دارد)

راه توده ۲۰۶ ۲۰۰۸، ۱۲، ۱۵